

بررسی نقش صنعت بیمه در بازار سرمایه

گردآوری و تألیف: عباس اسفندیاری^۱

چکیده

نقش بیمه به عنوان پایگاه تأمین مالی در کلیه بازارها، از جمله بازار مالی غیر قابل انکار است. این نقش در کشورهای در حال توسعه ضعیف و نارساست. در این مقاله تلاش می شود با معرفی بازار مالی و نقش آن در اقتصاد کشور در خصوص نقش با اهمیت صنعت بیمه به عنوان یکی از زیر بخش های اقتصاد در بازار سرمایه و این که چگونه می توان این نقش را پر رنگ نمود، صحبت شود.

مقدمه

مسئله انباشت سرمایه و سرمایه گذاری وجه غالب نظریات توسعه اقتصادی است و از آن به عنوان آئینه تمام نمای چگونگی رشد و توسعه اقتصادی یاد می شود. این موضوع حدیث مکرر تمامی ادبیات توسعه اقتصادی است و برآیند و غایت تمامی نظریه پردازی های توسعه بر این محور متمرکز می شود.

در این راستا صنعت بیمه به عنوان یکی از زیر بخش های مهم بخش خدمات اقتصاد کشور می تواند نقش مؤثری را در تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری ایفا نماید. مؤسسات بیمه در ساده ترین حالت از بیمه گذاران حق بیمه دریافت و بخشی از آن را صرف پاسخ گویی به تعهدات می نمایند، در چنین حالتی معادله ای وجود دارد که یک طرف آن مبالغ دریافتی و طرف دیگر آن تعهدات و سایر هزینه های بیمه گر است. بیمه گران از آن جهت که با این محدودیت مهم و تعیین کننده مواجه هستند به طور دائم نمی توانند بر میزان حق بیمه های دریافتی بیفزایند، بنابراین در کنار فعالیت سنتی خود به

۱. کارشناس ارشد اقتصاد، کارشناس پژوهشکده بیمه.

سرمایه‌گذاری نیز می‌پردازند. توان شرکت‌های بیمه در پرداخت تعهدات به بازده سرمایه‌گذاری حقیقیه دریافتی بستگی دارد به همین دلیل این شرکت‌ها وارد بازار سرمایه می‌شوند و دارای نقش با اهمیتی در این بازار هستند.

نقش و جایگاه بازار مالی

بعد از جنگ جهانی دوم (نیمه دوم سال ۱۹۴۰)، نظریه‌ها و مطالعات تجربی بسیاری در زمینه تاثیرهای رشد بازارهای مالی بر رشد و توسعه اقتصادی در سطح کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مطرح و انجام شد که تقریباً همه آنها بر رابطه مثبت بین توسعه مالی و رشد اقتصادی صحه گذاشته‌اند به طوری که هم مدل‌های رشد برون‌زا که عمدتاً توسط مدل‌های رشد هارود-دومار و نتوکلاسیک مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و عامل سرمایه و سرمایه‌گذاری و در نتیجه بازار سرمایه در آن نقش محوری دارد، و هم مدل‌های رشد درون‌زا که به موجب برخی ناتوانی‌های مدل‌های رشد برون‌زا در توضیح دهی مسائل رشد و توسعه طی دهه ۱۹۸۰ مطرح گردیدند، هر کدام به شکلی به نقش و تأثیر مثبت و ویژه رشد بازارهای مالی بر رشد و توسعه اقتصادی اعتقاد دارند و تأکید می‌نمایند.

تقسیم بندی بازار مالی^۱

بازار مالی مجموعه ای از نهادها، سازمان‌ها و مناسبات است که وظیفه آن تجهیز منابع پس‌اندازی و نیز تخصیص اعتبار است. بانک‌ها، مؤسسات مالی غیربانکی، بازار اوراق بهادار، مؤسسات بیمه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و... بازارهایی پدید می‌آورند که در واقع بخش مالی اقتصاد را تشکیل می‌دهند. وظیفه اصلی نهادهای فعال در این بازار، تجهیز منابع مالی موجود و هدایت آن به سوی مصارف سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی است.

۱. فیروزه عزیزی، "جایگاه مؤسسات بیمه در بازار مالی کشور"، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۱۱۲.

به‌طور کلی بازارهای مالی به دو قسمت تقسیم می‌شوند^۱:

الف) بازار پول (بازار اعتبارات کوتاه مدت):

بازار پول که در اغلب کشورهای در حال توسعه در شبکه بانکی خلاصه می‌شود، یکی از بخش‌های اساسی بازار مالی است. بانک‌ها و مؤسسات پولی تهیه و تأمین نیازهای پولی را به عهده دارند و به عنوان واسطه پولی از یک سو جذب سرمایه‌های پولی و از سوی دیگر توزیع منابع پولی را تسهیل می‌کنند. درجه اهمیت بانک از عملکرد و ابتکار عمل خاص آنها در خلق پول ناشی می‌شود. در اقتصاد ایران نیز این نقش در دهه‌های گذشته به اثبات رسیده است.

ب) بازار سرمایه (بازار اعتبارات بلندمدت):

به بازاری گفته می‌شود که تقاضا کنندگان وجوه بلندمدت منابع مالی مورد نیاز را از طریق پس‌انداز کنندگان به دست می‌آورند. بنگاه‌های تولیدی در این بازار می‌توانند وجوه مورد نیاز خود را تهیه نمایند بنابراین از طریق بازار سرمایه قسمت عمده‌ای از وجوه مورد نیاز صنایع تهیه و در اختیار آنها قرار می‌گیرد و بازار سرمایه به کار به جریان انداختن منابع بلندمدت تخصیص می‌یابد و با تسهیلاتی که ایجاد می‌کند، هدایت منابع پس‌انداز شده به جانب نیازهای سرمایه‌گذاری را فراهم می‌کند.

سرمایه یعنی وجوه قابل سرمایه‌گذاری و حاصل از پس‌انداز که به صورت ماشین‌آلات، ساختمان، ابزار آلات و ... به کار انداخته می‌شود. در واقع در زندگی روزمره، بخشی از درآمد کسب شده توسط افراد و سازمان‌ها صرف گذران زندگی و بقیه به عنوان مازاد مصرف در جهت سرمایه‌گذاری و تشکیل سرمایه به کار گرفته می‌شود. اگر مازاد به صورت پول نگهداری شود، مزایا و معایبی دارد و از آنجا که آینده نامعلوم است، لذا علاوه بر سود و عایدات مورد انتظار، مسئله دیگری به نام ریسک نیز مطرح می‌شود. زیرا ممکن است آرزوی سرمایه‌گذاری در آینده برآورده نشود و تمام یا قسمتی از سودی که به امید آن سرمایه‌گذاری انجام شده، عاید نگردد و حتی ممکن است زیانی متحمل

۱. مسعود وطنی، "بررسی روش‌های افزایش نقش بیمه در بازار مالی کشور و ارائه استراتژی مناسب"، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، رشته مدیریت بازرگانی، ۱۳۷۸.

گردد و به اصل پول نیز خدشه وارد آید. بنابراین در انتخاب یک پروژه سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذار فقط به میزان سود و عایدات نمی‌اندیشد، بلکه به میزان احتمال دستیابی به سود مورد انتظار و همچنین ضرر و زیانی که در نتیجه سرمایه‌گذاری ممکن است ایجاد شود نیز توجه خواهد کرد.

نهادهای مالی فعال در بازار سرمایه که در واقع عناصر تشکیل دهنده بازارهای مالی هستند، واسطه‌های واقعی بین عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان منابع مالی می‌باشند. هر چه تعداد نهادهای مالی در بازار پول یا بازار سرمایه بیشتر باشد و این نهادها از کارایی بیشتری برخوردار باشند، وظیفه بخش مالی که تجویز و انتقال منابع مالی است، بهتر و با کارایی بالاتری انجام می‌گیرد. نهادهای مالی که عمدتاً در بازار سرمایه فعالیت دارند عبارتند از بانکها، بانکهای سرمایه‌گذاری، بورس اوراق بهادار، شرکت‌های بیمه و ... که منابع عرضه سرمایه جهت سرمایه‌گذاری را فراهم می‌نمایند. در این میان شرکت‌های بیمه و جوه بیمه‌گذاران را به صورت ذخایر فنی در فعالیتهای اقتصادی مناسب سرمایه‌گذاری می‌نمایند، بنابراین صنعت بیمه با در اختیار داشتن وجوه متراکم شده بیمه‌گذاران جهت تامین سرمایه در اقتصاد یک کشور نقش مهم و اساسی دارد و از این رو در شرکت‌های بیمه انتخاب پروژه‌های سرمایه‌گذاری حایز اهمیت بسیاری است، چرا که تصمیم‌گیری در زمینه سرمایه‌گذاری در این نوع از سازمان‌ها تابع عوامل پیچیده‌ای است. مدیران سرمایه‌گذاری آنها باید هم‌زمان به سه عامل سود دهی، قابلیت تبدیل یا دستیابی به نقدینگی و اطمینان از اصل سرمایه‌گذاری نظر داشته باشند و بدین لحاظ است که امروزه مدیریت سرمایه‌گذاری نقش مهم و قابل توجهی را در شرکت‌های بیمه پیدا کرده است.

نقش صنعت بیمه به عنوان یک نهاد مالی در بازار سرمایه

شرکت‌های بیمه با دریافت مبالغی تحت عنوان حق بیمه، پرداخت خسارت‌های احتمالی خاصی را در آینده تعهد می‌نمایند. از آنجا که وقوع خسارت‌ها اولاً با احتمال مواجه است و ثانیاً مربوط به زمان آینده می‌شود، وقفه زمانی قابل ملاحظه‌ای بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت‌ها در صورت وقوع وجود دارد. این وقفه زمانی است که امکان سرمایه‌گذاری وجوه انباشته شده تحت عنوان حق بیمه را فراهم می‌نماید. از طرفی به موجب طولانی‌تر بودن وقفه زمانی بین دریافت حق بیمه و پرداخت خسارت در رشته‌های بیمه زندگی وجوه دریافتی از این رشته‌ها امکان سرمایه‌گذاری بیشتر و بلندمدت را فراهم

می‌آورد، به همین دلیل سهم بسیار بالایی از فعالیتهای شرکت‌های بیمه در کشورهای توسعه یافته مربوط به رشد بیمه‌های زندگی است و این امر موجب مشارکت فعال و وسیع شرکت‌های بیمه در بازار سرمایه و تامین وجوه برای سرمایه‌گذاری شده است. بنابراین گسترده‌گی فعالیتهای بیمه‌ای می‌تواند منجر به انباشت وجوه فراوانی شود به طوری که به یکی از کانال‌های مهم تجهیز منابع قابل سرمایه‌گذاری و هدایت آن به سوی فعالیتهای مولد اقتصادی مبدل شود.

نکته ای که در زمینه نقش صنعت بیمه در تجهیز منابع پس اندازی به عنوان یک نهاد مالی باید مورد توجه ویژه قرار گیرد این است که در کشورهای در حال توسعه در دوره های سخت اقتصادی و تورمی فعالیتهای بیمه ای به اصلی ترین کانال پس اندازی مردم مبدل می شود لیکن نقش این نهاد مالی در کشورهای در حال توسعه که عمدتاً از سطح درآمد پایین برخوردارند و با کمبود منابع پس اندازی مواجه‌اند، بیشتر از کشورهای توسعه یافته باید مورد توجه و عنایت قرار گیرد.

بنابراین در اغلب کشورهای جهان شرکت‌های بیمه به منظور ایجاد پوشش کافی برای هزینه‌های خود، کسب درآمد و سودآوری بیشتر، رشد و توسعه فعالیتهای بیمه ای و در نتیجه ارتقای کمی و کیفی خدمات خود به عنوان یک نهاد مالی فعال در بازار سرمایه و فعالیتهای سرمایه‌گذاری مشارکت می‌نمایند.

از سوی دیگر بیمه در کلیه شاخه‌ها و رشته‌های فعالیت اقتصادی به گسترش اطمینان کمک می‌کند یکی از این زمینه‌ها بازار مالی است که بیمه می‌تواند عدم اطمینان موجود در آن را رفع نماید، به بیان دیگر می‌توان بیمه، بورس و بانک را مثلث توسعه مالی نامید که این مثلث بدون بیمه کم‌رنگ و ناکارا باقی می‌ماند. در مثلث توسعه مالی بانک پایگاه پول، بورس پایگاه سرمایه و بیمه پایگاه اطمینان با ارتباط دو سویه به توسعه مالی کمک می‌کنند. حساسیت بازارهای پول و سرمایه و نوسان‌ها و ضربه‌پذیری این دو بازار تحت تاثیر تحولات اقتصادی و غیر اقتصادی، نیازمند ساز و کارهای مناسب برای توسعه ریسک‌پذیری است. بیمه در این میان در کاهش آسیب‌پذیری ناشی از نوسانات منفی کارساز و تامین‌کننده سطح اطمینان مورد نیاز است.

بسیاری از اقتصاددانان و صاحب‌نظران بر این قضیه اتفاق نظر دارند که علت اصلی و محوری توسعه نیافتگی بسیاری از کشورهای جهان محدودیت منابع سرمایه ای و ناکافی بودن سرمایه‌گذاری در

آنهاست. اگر این مسئله را بپذیریم، آنگاه کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران که علاقه‌مند به ایجاد رشد و توسعه اقتصادی می‌باشند می‌توانند جهت افزایش منابع مالی و سرمایه گذاری خود از منابع مالی و سرمایه‌ای خارجی (این روش امروزه با توجه به مشکلاتی که بحران بدهی‌ها در دهه ۱۹۸۰ ایجاد کرد با موانع و مشکلاتی همراه است) یا از منابع پس اندازی پراکنده خود و تخصیص بهینه آنها بین فعالیتهای مولد اقتصادی استفاده نمایند.

تجهیز و تخصیص منابع داخلی نیاز به بازارهای مالی سازمان یافته و کارآمد دارد که عمدتاً جای آنها در کشورهای در حال توسعه خالی است. بازار سرمایه کشور ما نیز که عمدتاً در بورس اوراق بهادار خلاصه شده است و سایر نهادهای مالی مشارکت فعال و کارایی در آن نداشته‌اند، دارای عملکرد ضعیف و بسیار ناچیزی در مقابل نیازهای مالی گسترده اقتصاد بوده است. عمدتاً حرکتها و اقدام‌هایی جهت کاربرد گسترده‌تر بازار سرمایه صورت گرفته ولی از نقل و انتقالات اولیه پا فراتر ننهاده است.

از جمله مشکلات دیگر بازار سرمایه عدم وجود و مشارکت نهادهای مالی در کشور است. بررسی‌های موجود نشان می‌دهد که تعداد بسیار زیادی از صندوق‌های قرض‌الحسنه، بنیادها و شرکت‌های سرمایه گذاری با حجم قابل ملاحظه‌ای از منابع مالی در بازارهای موازی فعال هستند، از طرف دیگر وجود نرخ‌های سود واقعی سپرده‌ها روند تجهیز پس انداز بخش خصوصی را به نحو معکوسی تحت الشعاع قرار داده و موجب عدم استقبال و مشارکت فعال بخش خصوصی در بازار سرمایه شده است.

صنعت بیمه کشور به عنوان یک نهاد مالی نیز به علت ساختار نامناسب، فقدان شرایط رقابتی در بازار بیمه، شرکت‌های بیمه خصوصی، لزوم تبعیت شرکت‌های بیمه از قوانین و مقررات عام و محدود کننده دولتی، پایین بودن ظرفیت نگهداری ریسک و بالاخره فقدان ابزار لازم برای تنظیم بازار نتوانسته است از جایگاه مناسبی در مجموعه فعالیتهای مالی کشور برخوردار شود. به طوری که مجموع عوامل مذکور به همراه عدم تکامل بازار سرمایه و عدم تعادل طبیعی شرکت‌های بیمه برای افزایش میزان سودآوری خود (به دلیل سهم بالای شرکت‌های دولتی) موجب شده بخش عمده منابع مالی متمرکز شده نزد شرکت‌های بیمه به سوی سرمایه گذاری‌های مولد از طریق بازار سرمایه هدایت نشود.

در نهایت می‌توان بیان کرد که ضرورت فراهم آوردن شرایط مناسب رشد و توسعه اقتصادی، محدودیت منابع پس اندازی و پراکندگی آنها و ضرورت انباشت و هدایت این منابع به سوی فعالیت‌های مولد اقتصادی، پایان پذیر بودن منابع نفتی و نوسانات و مشکلات ناشی از این منبع درآمدی، وجود خیل عظیم نیروی کار جوان متقاضی کار که عمدتاً از سطح و توقع بالایی هم برخوردارند، و ... ایجاب می‌نماید که هر چه سریع‌تر موانع و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی پیش روی توسعه بازارهای مالی و به ویژه بازار سرمایه برداشته شود.

پیشنهادهایی برای رفع مشکلات بازار سرمایه

در نهایت می‌توان گفت برخوردهای ضد و نقیض اجتماعی- فرهنگی با مفهوم سرمایه و سرمایه‌داری در طول تاریخ اقتصادی کشور و مصادره و ملی سازی‌های مکرر، دولتی بودن حجم عظیمی از فعالیت‌ها، به ویژه در طول دو دهه اخیر وعدم نیاز آنها به بازار سرمایه جهت تامین منابع مالی، وابستگی شدید کشور به درآمدهای حاصل از فروش نفت، تسلط پررنگ دولت بر بازارهای مالی و اداره انحصاری آنها، فقدان بخش خصوصی مولد و کارآفرین و ... مجموعه عواملی هستند که موجب عدم سازمان یافتگی و توسعه یافتگی بازارهای مالی، به ویژه بازار سرمایه در اقتصاد کشورمان هستند که منجر شد این بازار در شکل سنتی خود باقی بماند و از کارایی لازم برخوردار نباشد. بر این اساس می‌توان به مواردی جهت رفع و کاهش مشکلات این بازارها اشاره نمود که عبارتند از:

- بازنگری در قوانین و مقررات مربوط به بازار سرمایه و ایجاد هماهنگی و همسویی بین این بازار با شرایط جاری و آتی اقتصاد کشور؛
 - ایجاد فضای امن و شفاف اقتصادی- اجتماعی جهت انتقال منابع مالی از بخش‌های غیررسمی اقتصاد به بخش رسمی؛
 - ایجاد نهادهای مالی و ابزارهای مالی جدید متناسب با نیازها و شرایط جاری و آتی اقتصاد کشور؛
 - توسعه کمی و کیفی بازار سرمایه و آموزش و آشنا نمودن آحاد مردم با فعالیت در این بازار .
- از طرفی می‌توان به مواردی جهت افزایش مشارکت صنعت بیمه در بازار سرمایه اشاره کرد که عبارتند از:

- کاهش شدید حجم دخالت دولت در بازار بیمه از طریق پیگیری و اجرای سیاست‌های آزادسازی، مقررات زدایی و واگذاری شرکتهای بیمه و ایجاد فضای رقابتی در این بازار از طریق ایجاد مشارکت فعال‌تر بخش خصوصی؛
- تلاش جهت بهبود وضعیت شاخص‌های عملکرد صنعت بیمه (کل حق بیمه دریافتی، حق بیمه سرانه و ...) و رسانیدن این شاخص‌ها به متوسط کشورهای در حال توسعه در کوتاه مدت و میان مدت و کشورهای توسعه یافته در بلندمدت؛
- تغییر و اصلاح ترکیب حق بیمه‌های دریافتی از طریق رشد و توسعه بیمه‌های زندگی که خود می‌تواند علاوه بر افزایش اعتماد و اطمینان و امید به زندگی در جامعه، به منبع بسیار مطمئنی برای پس انداز و سرمایه‌گذاری تبدیل شود.
- توسعه خدمات بیمه‌ای متناسب با شرایط و نیاز جامعه و انجام به موقع تعهدات شرکتهای بیمه جهت جلب نظر مردم.

نتیجه‌گیری

توسعه بازار سرمایه تاثیر مثبت بر رشد اقتصاد ملی و رابطه معنی داری با آن دارد؛ به طوری که بدون داشتن بازار مالی رقابتی و مولد، در اختیار داشتن اقتصادی توسعه یافته دور از ذهن است. بیمه به عنوان پایگاه تأمین اطمینان در کلیه بازارها، از جمله بازار مالی در کشورهای در حال توسعه ضعیف و نارساست و در واقع یکی از لازمه‌های گسترش بازار سرمایه، بازار بیمه است و با توجه به نقش و اهمیت صنعت بیمه در بازار سرمایه، بدون توسعه این بازار ما نمی‌توانیم بازار سرمایه مناسب و مطلوبی داشته باشیم. بنابراین می‌بایست در ابتدا تدابیری را جهت پیشرفت روز افزون صنعت بیمه و به خصوص رشته بیمه‌های زندگی اندیشید و مشکلات عدم توسعه مناسب و مطلوب آنها را رفع کرد به طوری که شرکتهای بیمه انعطاف کافی در برابر تحولات اقتصادی و قابلیت حضور در شرایط رقابتی را داشته باشند و در یک کلام بتوانند نقش مؤسسات مالی پیشرو را ایفا کنند.

واژگان کلیدی:

صنعت بیمه، حق بیمه، بازار سرمایه، سرمایه‌گذاری.

منابع:

۱. احمد وند، محمد رحیم. "بررسی نقش صنعت بیمه در بازار سرمایه و تامین وجوه مورد نیاز بخشهای تولیدی"، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۴.
۲. پاسبان، فاطمه. "مطالعه تطبیقی نقش بیمه های زندگی در پس انداز ملی در کشورهای مختلف و مقایسه آن با ایران"، فصلنامه صنعت بیمه، ش ۴، زمستان ۱۳۸۰.
۳. ثنات، غلامعلی. "نقش بازار بیمه در بازار سرمایه"، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد، دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۴.

